

فرهنگ اصطلاحات و کنایات مداحی

شوهش و نگارش
سید شهاب حسینی رکن آبادی



سرشناسه: حسینی رکن آبادی، سید مهدی، ۱۳۴۷-
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اصطلاحات و کنایات مداحی/ پژوهش و نگارش: سید مهدی حسینی رکن آبادی.
مشخصات نشر: تهران، خیمه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص:، ۱۴،۵×۲۱،۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۵۴-۶۵-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: چاپ قبلی: انتشارات احیاء، ۱۳۹۵.
موضوع: مدیحه و مدیحه سرایی اهل بیت (ع) ... اصطلاح ها و تعبیرها
موضوع: Laudatory poetry of Ahli-beyt _ Terminology
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف۴ ۵۴۰/۸/۲۶۱ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵۷۰۳
شماره کتابشناسی ملی: ۲۶۷۱۳۸۲

خایلیا

فرهنگ اصطلاحات و کنایات مداحی

سید مهدی حسینی رکن آبادی

طراح جلد: محمد صمدی | صفحه آرا: مهدی فرج اللهی
شمارگان: ۳۰۰ نسخه | نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶ | شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۵۴-۶۵-۴
ناظر فنی چاپ: محمد حسین دوست محمدی | قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

حقوق چاپ کاغذی و باز نشر در قالب های الکترونیکی و صوتی
انحصاراً برای «انتشارات خیمه» محفوظ است.

www.nashrekheime.ir

فهرست

۲۹ العهدة على الزاوی

۲۹ اما دل ها بسوزد.....

آماده نیستم /

۲۹ آمادگی ندارم

۲۹ انجام وظیفه کردن

۲۹ ان شاء الله دروغه!

۳۰ آوازخوان

۳۰ اوج گرفتن

۳۰ اوج و فرود

اهل ادب /

۳۰ اهل ذوق

۳۰ اهل دود و دم

۳۰ اهل گریه

۳۱ اهل منبر

۳۱ اهل بی

۳۱ آهنگ

۳۱ این بیت حرف برد

۳۱ این بیت خودش یک مجلس است

۳۱ این هم باشد برای ..

۳۲ آیینی شرا

ب

۳۲ با من باش!

۳۲ بازش نمی‌کنم

۳۳ بالاتر نمی‌روم

۳۳ بانی

۱۵ پیش‌گفتار

۱۷ مقدمه

۲۳ درباره این مجموعه

الف

آتش در مجلس انبیا

۲۵ مجلس گر گرفته

۲۵ اجرای برنامه

۲ آجَزْكُمْ الله

۲۵ آجَزْكُمْ على الله

۲۶ اداره کردن

۲۶ ادبیات

۲۶ از دهن گرفتن

۲۶ استادان

۲۷ استحسان

۲۷ آسیب‌شناسی عزاداری

۲۷ اشک گرفتن

۲۵ آقای آخر

۲۸ آقای مجلس

۲۸ اگر گرفتاری، بسم الله!

۲۸ التماس دعا

العهدة على الراوی /

۲۹ على عدة الزاوی

پیش خوانی /	۳۳	بچه هیئت	۳۳
دَم پاره	۴۰	بحر طویل	۳۳
پیش دم	۴۰	بحر طویل خوانی	۳۵
پیش سرود	۴۰	بداهه خوانی	۳۵
پیش کِسوت	۴۱	بزمی خوانی	۳۵
پیش نوحه	۴۱	بگذرم!	۳۵

ت

تاریخ	۴۱	بگ (بگم) یا نه؟	۳۶
تحریر زدن	۴۲	ببل اهل بیت علیهم السلام	۳۶
تحریک و آماده سازی	۴۲	بد	۳۶
تحویل دادن مجلس	۴۲	به مجسمه رشد	۳۶
تحویل گرفتن	۴۳	سوار کار شد	۳۶
تخت اش وسط است	۴۳	بیت	۳۶

پ

تخلّص	۴۳	پاکت /	
ترجیع	۴۳	صله	۲۷
ترک	۴۴	پامنبری	۳۷
تریبون	۴۴	پامنبری خوان	۳۷
تریبون مداح	۴۴	پامنبری خوانی	۳۸
تقلید	۴۴	پل زدن به	۳۸
تک بیته	۴۵	پل سازی	۳۹
تک زدن	۴۵	پندیات	۳۹
تکه خوانی	۴۵	پولی /	
تکیه	۴۵	پولکی	۳۹
تکیه	۴۷	پیاده کردن	۴۰
تکیه به صوت	۴۷	پیر غلام	۴۰

چاووشی /	تکیه زدن /
۵۲ چاووش خوانی	۴۷ برپا کردن
۵۳ چکشی	۴۷ تناسب خوانی
۵۳ چهارپایه خوانی	۴۸ تند زدن
۵۳ چه رزقی داشتی!	۴۸ سر و سینه زدن
	۴۸ قتل
ح	۴۹ ته صدای
۵۴ حاجی	۴۹ تیک داشتن
۵۴ حال مجلس عوض شد	ث
۵۴ حالی دست داد	ثلاث
۵۵ حسینه	۵۰ ثوابش برسد به ...
۵۵ حسینه	
۵۵ شش رو ادا کن!	ج
۵۵ حکم اندازی	جافتادن
۵۶ حلقه	۵۱ جانم!
۵۶ حلقه ...	۵۱ جانم به تو مستمع زنده
۵۶ حواله	جسارت کردم!
خ	۵۱ جسارت شد
۵۶ خاک پاییم!	جلسه بزمی /
۵۷ ختم خوانی	۵۲ بزمی خوانی
۵۷ خش داشتن صدا	۵۲ جلوتر نرم
۵۷ خط	۵۲ جواب گرفتن
۵۷ خطیب	چ
۵۷ خوب دل بده!	چاوشی خوان
۵۷ خودرو	۵۲ چاوشی خوان

۶۳	دهه	۵۸	خوشمزه می خواند
		۵۸	خون گریه کردن
		۵۸	خیمه زدن

ذ

۶۳	ذاکر
۶۳	ذاکر اهل بیت علیهم السلام
۶۳	ذکر
۶۳	ذکر آخر
۶۳	ذکر اهل بیت علیهم السلام

ر

۶۳	راوی
۶۴	رباعی
۶۴	رثا
۶۴	رَجَا
۶۴	ردیف خوان
۶۴	ردیف خوانی
۶۵	ردیف های رازی
	رفتم تود نش
۶۵	از دهنش گرفت
	روان خوانی
۶۵	نرم خوانی
	روبه قبله شدن
۶۵	روضه
	روضه باز
	روضه فاش
۶۶	روضه مکشوف

د

۵۸	درس پس دادن
۵۸	دره ت خوانی
۵۸	دستگاه خوان
۵۸	دسته
۵۸	دعا خوان
۵۹	دعا گویم!
۵۹	دعای مجلس
۵۹	دعوت داشتن
۵۹	دکلمه خوانی
	دل بده!
	دل هارا بُرد کربلا
۶۰	دل هارا بُرد مدینه و...
۶۰	دلی می خوانم!
۶۰	دَم
۶۱	دم آخر
۶۱	دم خوانی
۶۱	دم دادن
۶۱	دم گرفتن
۶۱	دو دسته شوید
۶۲	دودمه
۶۲	دهن گرمی دارد

۷۴	سخنران	روضه خوان /
۷۴	سخن منظوم	مصیبت خوان ۶۶
۷۴	سرت سلامت!	ریتم ۶۷
۷۴	سرسلامتی دادن	رئیس هیئت ۶۷
۷۴	سرود	
۷۵	سرود پایانی	
۷۵	سفره	زبان زد ۶۷
۷۵	سفره را باز کردم	زبان بگیر ۶۷
۷۵	سلام دادن	زبان حان ۶۸
	سنتی خوان /	زبان قال ۷۰
۷۶	اصیل خوان	زمزمه ۷۰
۷۶	سنگین	زمزمه خوانی ۷۰
۷۷	سوخته	زمینه ۷۱
۷۷	سوخته دل	زمینه خوانی ۷۲
۷۷	سه رب	زمینه سازی ۷۲
۷۷	سینه زنی	زنجیرزنی ۷۲
۷۷	سینه ری	زیارت خوانی ۷۲
۷۸	سینه زنی در ای	زینبیه ۷۳

ش

۷۸	شاعر اهل بیت علیهم السلام
۷۸	شاگردی کردن
۷۹	شاه بیت
۷۹	شاید گفته باشد
۷۹	شراف کنی
۷۹	شعر

س

۷۳	سادات اجازه بدهند
۷۳	سادات بیخشند!
۷۳	سادات کجا نشسته اند؟
۷۳	ساده خوان
۷۳	ساکت نباش!
۷۴	سبک

۸۵	طی کردن	۸۰	شعر آیینی
		۸۰	شعر کاربردی
	ع	۸۰	شعر موردی
۸۶	عاشقان	۸۱	شعر نصیحت محور
۸۶	عبای مداحی	۸۱	شعر نوشتن
۸۶	عرض ادب کردن	۸۱	شعر ولایی
۸۶	عزاخانه	۸۱	شم، خوانی
۸۶	عزادار	۸۱	مور
۸۶	عشق	۸۲	شرر تله ی
۸۶	علم کش	۸۳	شورخو
۸۷	علی ما نُقِل	۸۳	شور زدن
۸۷	عنایت شد		

ص

	غ	۸۱	صاحب مجلس
۸۷	غزاخوان	۸۳	صاحب نفس
۸۷	غزل	۸۳	صدا بده
	ف	۸۴	صدات رو آزاد کن!
		۸۴	صدات رو خرج کن!
۸۸	فرد	۸۴	صداسازی
۸۸	فرود آمدن	۸۴	صدایت برسد به کربلا
۸۸	فنون	۸۴	صدایش نمک خاصی دارد
۸۸	فولکلور	۸۵	صله
۸۹	فیض دادن		

ط

	ق	۸۵	طیب الله
۸۹	قافیه	۸۵	طیب الله گفتن

۹۵ گوشواره

ل

۹۶ لای لای

۹۶ لباس مداحی

۹۶ لحن

۹۹ لق زدن

۹۹ لنگ الذاکریں

۱۰۰ لنگ شدن مجلس

م

۱۰۰ مثنوی

۱۰۰ مثنوی خوانی

۱۰۰ مجلس

۱۰۰ متسر، افتاد!

۱۰۰ مجلس به هیئت

۱۰۱ مجلس تکار، خود

۱۰۲ مجلس دار

۱۰۲ مجلس دهگی

..... مجلس را تحویل گردان

۱۰۲ تحویل دادن

۱۰۲ مجلس را جمع کرد

۱۰۳ مجلس را قبضه کرد

۱۰۳ مجلس خراب کن

۱۰۳ مجلسش گرفت

۱۰۳ مجلس گرم کن

۹۰ قالب

۹۰ قصیده

۹۰ قصیده خوان

۹۱ قصیده خوانی

۹۱ قفل زدن

ک

۹۱ کارشته

۹۱ کربلایرها

۹۱ کسوت

۹۲ کسوت مداحی

۹۲ کفش جفت کن

۹۲ کمک بی بی کن

..... کم کردن چراغ

۹۲ کمکی گرفتن

۹۳ کنایه فهم ها

۹۳ کوچه وا کردن

گ

۹۳ گام

۹۳ گرفتن مجلس

۹۳ گریز زدن

۹۴ گریه گرفتن

۹۵ گفتم و دعاء کردم

۹۵ گل کردن

۹۵ گلو پاره کردم!

- ۱۱۳ مصیبت خوان ۱۰۳ مجلس گردانی
- ۱۱۳ مصیبت خوانی ۱۰۳ مجلس گرفتن
- ۱۱۴ مضمون سازی مجلس لنگ شد /
- ۱۱۴ مَطْلَع ۱۰۳ لنگ است
- ۱۱۴ مظلوم کشیدن ۱۰۴ مجلس منفجر شد
- ۱۱۴ مَقْتَل ۱۰۴ مجلس یخ کرد
- ۱۱۵ مَقْتَل خوان ۱۰۴ مج مع الذاکرین
- ۱۱۵ مَقْتَل خوانی ۱۰۴ جنون (دیوانه)
- ۱۱۶ مَقْطَع ۱۰۴ مخاطب
- ۱۱۶ مکث و پیوند ۱۰۴ مداح
- ۱۱۶ مناجات خوان ۱۰۶ مداح جهنم
- ۱۱۷ مَنَاقِب خوان ۱۰۶ مداح دخمه‌ای
- ۱۱۷ منبر ۱۰ مداح
- ۱۱۸ مند رفتن ۱۰ مدیحه خوان
- ۱۱۸ منبری ۱۰ مدیر هیئت
- ۱۱۸ منبع ۱۰۹ مرثیه
- ۱۱۸ من کشته‌ام...! ۱۱۱ مرثیه خوان
- ۱۱۸ مولودی ۱۱۱ مرثیه خوانی
- ۱۱۸ مولودی خوان ۱۱۱ مرده خوان / ختم خوان /
- ۱۱۸ مولودی خوانی ۱۱۱ سرخاک خوان
- ۱۱۸ مهدیه ۱۱۱ مرده خور / ختم خوان /
- ۱۱۸ میان دار ۱۱۲ سرخاک خوان
- ۱۱۹ میدان دادن ۱۱۲ مرصع خوان
- ۱۲۰ میکروفن را تحویل دادن ۱۱۲ مست شدی!
- ۱۲۰ میلادیه / ۱۱۳ مُسْتَمِيع
- ۱۲۰ مولودی ۱۱۳ مصراع / مصرع

۱۲۵ ولایی سرا

ه

۱۲۶ هروله

۱۲۶ هلاک این یتیم!

۱۲۶ همه خواننده شوید!

۱۲۶ هیئت

۱۲۶ هیئتی

ی

۱۲۷ یاالله کردن

۱۲۷ «یا حسین» کش

۱۲۷ یک بکه بیا

۱۲۷ یک چشمه نشان داد

ن

۱۲۰ نرم خواندن

۱۲۰ نسخه

۱۲۰ نظم

۱۲۱ نه

۱۲۱ نه سرا

۱۲۱ نفس بگی

۱۲۱ نمک

۱۲۱ نواح

۱۲۱ نوحه

۱۲۳ نوغلام

۱۲۳ نوکر اهل بیت

۱۲۱ نوکری کردن

و

۱۲۳ واحد تُند

۱۲۴ واحد خوانی

۱۲۴ واحد سُبک

واحد سُبک / واحد نُس /

۱۲۴ واحد نُث

۱۲۴ واحد کُند

۱۲۴ واعظ

واگردان /

۱۲۴ برگردان

۱۲۵ وزن

۱۲۵ وعظ

۱۲۸ کتاب ن

پیش‌گفتار

مداحی و ذاکری هنری شریف و سازنده مردمی است، که رسالت عظیم طرح مناقب و فضایل والاثرین اسوه‌ها را به عهد می‌برد.

مداح و ذاکر درسوگ و سوراehl بیت علیه السلام، با خواندن سروده‌های آیینی دل‌ها را به ضیافت محبت خوبان خدا و اندیشه‌ها را به زیارت زلف‌تین و دقیق‌ترین معارف می‌برد. همین است که پایگاه و جایگاه ذاکر ریشه است و تکریم و تجلیل وی بایسته و شایسته.

اقبال مردمی به مراسم آیینی و نیز گستره زمانی ذاکری و مداحی که به سبب فراوانی مناسبت‌ها بخش‌های درخور توجهی از سال را دربر می‌گیرد، باعث شده است که هر سال، تعبیرات و کنایات و اصطلاحات تازه‌ای در این حوزه خلق شود و در نتیجه، فرهنگ اصطلاحات و کنایات ذاکری و مداحی گسترده‌تر و غنی‌تر شود.

بازشناخت این اصطلاحات و کنایات ما را با چند و چون این حوزه و با کارکرد ذاکران و مداحان آشنا تر می سازد.

اصطلاحات و کنایات مداحی را به اعتبار حوزه معنایی به دو گروه می توان تقسیم کرد:

نخست، واژه ها و عباراتی که در حوزه های دیگر نیز کاربرد دارند؛ اما در حوزه مداحی معنای ویژه و متفاوتی می یابند؛ مانند «پیش کسوت» که در علم سرورزش نیز کاربرد دارد یا «سوخته دل» که در کاربردهای روزمره و در عرفان و درسوگ نیز به کار می رود.

دوم، واژه ها و عباراتی که خاص مداحی و ذاکری است؛ مانند «پیرِ لام»، «سورخوان»، «دودمه» و «روضه».

اصطلاحات و کنایات مداحی بخشی از ادبیات مردمی هستند؛ چرا که خالق و وضع کنند این واژه ها و عبارات، مردم اند.

آنچه پیش روست، گوشتِ عالمانه و ستودنی دوست پژوهشگر و روشمند و دانشمند عرصه مداحی و ذاکری، استاد سید مهدی حسینی است. سال ها تعمق و تفحص و سال ها در این حوزه و شناخت زوایا و ابعاد مداحی، از ایشان صاحب نظری ساخته است که امروزه مرجع و ملجأی مطمئن و شناخته شده برای پژوهشگران ذاکران است.

بی تردید، واژه های دیگری نیز می شود یافت و بر این مجموعه افزود و واژه ها و اصطلاحات بسیاری در آینده وضع خواهد شد که به غنای این کار خواهد افزود. خوانندگان عزیز نیز می توانند با ارسال این اصطلاحات و کنایات، به باروری این اثر کمک کنند.

توفیق روزافزون شاعر و استاد ارجمند و گرانمایه، سید مهدی حسینی را در نشر معارف و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام از بارگاه حضرت محبوب آرزو مندیم.

مقدمه

زبان شگفت‌انگیزترین پدیدهٔ انسانی و اجتماعی است. توانشی است که در سببیت همهٔ انسان‌ها وجود دارد و به سرعت، جنبهٔ آموزشی می‌یابد. انسان‌ها از طریق گه‌شن‌آدن به حرف افراد خانواده، اقوام، دوستان و جامعه، کم‌کم واژگان، معییرات، کنایات و اصطلاحات را می‌آموزند؛ سپس مفاهیم آموخته‌شد، ابتدا به‌دور و بعد در زبان آنان جریان می‌یابد.

به اعتقاد برخی ادب‌پژوهان، ذهن و زبان آدمی در حکم واقعیتی است که دو نوع «نمود» یا «جلوه» دارد. ذهن آکنده از زبان است؛ یعنی توانایی شناخت پدیده‌ها و ارتباط با دیگران و زبان نیز بر شراز ذهنیت‌های ارتباط است. بر اساس ذهنیت‌های نویافته است که واژگان متفاوت و متناسب با علوم و دانش‌های جدید ساخته می‌شود و به تبع به اقتضای هردانشی، واژگان نوبا مفاهیم جدید به دنیای اطلاعات، یعنی ذهن آدمی افزوده می‌شود.

■ تقسیم‌بندی عناصر ارتباطی در گفتار و نوشتار

آنچه به عنوان واژه یا عبارت یا نوشته به کار می‌بریم و بیان ارتباط لازم را ایجاد می‌کنیم، شامل یک یا چند عنصر از عناصر زبانی زیر است:

۱. واژه؛ ۲. اصطلاح؛ ۳. اعلام و نام‌ها؛ ۴. ضرب‌المثل‌ها؛
 ۵. کنایات و لغات عامیانه؛ ۶. عبارات غیرفارسی (عربی، انگلیسی و...).
- پیش از پرداختن به موضوع اصلی بحث (اصطلاحات و کنایات)، لازم است به جایگاه فرهنگ‌نامه‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها در میان کتب دیگر اشارتی شود.

■ کتاب؛ ابزار مهم تحقیق

اصولاً کتاب‌ها را می‌توان در چهار حوزه کلی تقسیم‌بندی کرد:

۱. کتاب‌هایی که موضوع علم معین و مشخصی دارد و مبانی دانش خاصی را عرضه می‌کند؛ مثل کتب شیمی یا زیست‌شناسی. اغلب این نوع کتاب‌ها آموزشی است.

۲. کتاب‌هایی که به موضوع و دانش خاصی منحصر نیست و در هر موضوعی اطلاعات فشرده و مختصری همراه با منابع در اختیار محقق و خواننده می‌گذارد؛ مانند کتاب‌های لغت یا فرهنگ‌نامه‌ها یا دائرةالمعارف‌ها.

۳. کتاب‌هایی که فقط رابط بین محقق و کتاب‌های دیگر است؛ مثل فهرست‌ها. محقق را به مآخذ موجود راهنمایی می‌کند یا معجم‌ها مثل معجم‌اللمعین که برای جست‌وجوی آیات قرآنی از آن استفاده می‌شود.

۴. کتاب‌های زیای، ذوق و اندیشه و دانش نویسندگان و شاعران است؛ مثل دیوان‌ها و مجرعه‌ها، شعرها یا داستان‌ها.

به طبع فرهنگ‌نامه‌ها گروه دوم کتاب‌ها (نقش مهمی در پیشبرد علوم و نیز شناساندن باورها و آیین و رسوم و عادات و رسوم دارد و جزو منابع اصلی تحقیق پژوهشگران و علاقه‌مندان به دانش فرهنگ به شمار می‌رود.

■ نکاتی درباره اصطلاح‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌های علمی

بنابر نظر ادب‌پژوهان، اسدی طوسی (قرن ۵) اولین لغت‌نامه مدوّن به نام «فُرس اسدی» را با هدف معرفی واژگان پارسی پدید آورد. این واژه‌نامه تاکنون، فرهنگ‌نامه‌های فراوانی تدوین شده است که لغت‌نامه دهخدا، فرهنگ معین از جمله آن‌هاست.

فرهنگ‌نامه‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. فرهنگ‌نامه‌های عمومی که بنابر کمیت، انواعی دارد: مشروح، متوسط، کوچک و جیبی.

۲. فرهنگ‌نامه‌های اختصاصی؛ مثلاً در حوزه ادبیات می‌شود این نمونه‌ها

را نام برد: فرهنگ ریشه‌شناسی، فرهنگ دستور، فرهنگ تلفظ‌ها، فرهنگ متضادها و مترادف‌ها. فرهنگ‌نامه‌های موضوعی مثل فرهنگ‌نامه عروضی (وزن شعر)، فرهنگ‌نامه طبیعی (جانورشناسی، گیاه‌شناسی)، فرهنگ‌نامه پزشکی.

۳. فرهنگ اصطلاحات که جزو فرهنگ‌نامه‌های موضوعی است، شایع‌ترین و مهم‌ترین در عرصه فرهنگ‌نامه‌نویسی است و تاکنون، کتب بسیاری با عنوان کلی فرهنگ اصطلاحات و با موضوع معرفی اصطلاحات حوزه علم یا فنی خاص، تا این شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، محمدبن علی تهاوی (۱۱۵۸ق)؛
- فرهنگ اصطلاحات، دکتربزرگ جعفر سجادی؛
- فرهنگ ادبیات، فاضل، دکتربزرگ خانلری کیا؛
- فرهنگ اصطلاحات نجوم، دکتربزرگ ابوالفضل مصفا؛
- فرهنگ اصطلاحات جبرایی، احمد، آرام؛
- فرهنگ اشعار حافظ، دکتر احمد سی‌رجایی؛
- فرهنگ اصطلاحات سینمایی، دایر، دلویا.

گفتنی است فرهنگ‌نامه‌ها براساس نوع موضوعات و حوزه‌های معنایی متفاوت، تعریف و تدوین می‌شوند. نکته مهم اینست که هر دانش و فن و هنری در سیر تکاملی خود، راهی جز ایجاد واژه یا معرفی اصطلاحات جدید و نوپدید ندارد و وجود اصطلاحات تازه، به مفهوم اعلام حیات و جان و ساری بودن آن دانش یا فن یا هنر است.

■ نیاز علوم به اصطلاح‌سازی

دانش‌ها و علوم مختلف براساس نیازهای خود در انتقال مفاهیم، به واژه و اصطلاح نیاز دارند و دانشمندان برای بیان و معرفی مفاهیم جدید و پدیدهای نو، مجبورند یکی از دوروش زیر را برگزینند:

۱. واژه‌های نو بسازند؛

۲. کلمه یا واژه‌ای از عرف عام (زبانزد مردمی) برگزینند و معنایی تازه به آن بخشند. در این شیوه، اصطلاح ساخته می‌شود؛ مثلاً کلمات «دانش آموز» و «طالب» را در نظر بگیرید:

- دانش آموز واژه‌ای است که با هدف ارائه مفهوم «طالب علم» ساخته شده است؛

- طالب واژه‌ای عربی و جمع آن «طلبه» است؛ اما در زبان ما، این واژه از عرف عام خارج شده و مفهومی اصطلاحی یافته است و در معنای مفرد و به مفهوم «محصل علوم دینی» به کار می‌رود و به «طالب» جمع بسته می‌شود.

- «طالبت» ام‌یه اصطلاحی سیاسی به مفهوم گروه‌کی تروریستی است که هنر و جزئیات بر در دین و حذف افراد مخالف خود ندارد.

با این مثال، در باره جایگاه واژگان در فرهنگ و زبان مردم، این موضوعات را پیش بینی کردیم:

- واژگان تا چه حد پدید می‌آورند؛

- واژگان به چه میزان گسترده معنایی یافته‌اند؛

- واژگان چه تغییرات معنایی یافته‌اند و چگونه پدید می‌آورند و...

این نکات لزوم تدوین فرهنگ نام‌های مختلف متناسب با علوم و فنون را ثابت می‌کند. فرهنگ نام‌نگاران و صیغه‌ارزان، ماهیم نوپدید و واژگان مصطلح شده را شناسایی و معرفی کنند تا اهل تحقیق و دانش پژوهان به زمینه‌های مختلف شناخت علوم دست یابند.

درباره مفاهیم «واژه» و «اصطلاح» و «کنایه» لازم است توصیه‌هایی به هم می‌دهیم.

۱. واژه: واژه از نظر معنایی، لفظی است که دلالت بر معنی که با آن در نظر دستوری، مجموعه حروفی است که یک واحد معنی داریا معنی سازتسکین دهد.^۲ به بیان دیگر، مجموعه‌ای از حروفی است که یا دارای معنی قاموسی

۱. لغت نامه دهخدا.

۲. غلام رضا ستوده، مرجع‌شناسی و روش تحقیق، ج ۱، تهران: سمت، ۱۳۷۱، ص ۶۲.

باشد یا نقش دستوری ایجاد کند.

۲. اصطلاح: اشتراک و اتفاق نظر گروهی از مردم در کاربرد یک واژه با معنی مخصوص است. به بیان دیگر، انتخاب معنی جدید برای لفظی به غیر از معنی اصلی آن است.

مثلاً واژه‌هایی همچون سالک و جام و می در میان عارفان و ارباب معرفت، به سبب کلی قراردادی، مفاهیمی خاص و جدید یافته‌اند. هاتف اصفهانی در تبیین این نکته سه‌گانه است:

هاتف، ارباب حریت که گهی
از می و جام و مطرب و باقی
مست خوانندشان و گه هشیار
وزمغ و دیرو شاهد و زنتار
قصد ایشان نهفته اسرار است
که به ایما کنند گاه اظهار
پی بری گربه رازشان از می
که همین است ستر آن اسرار
که یکی هست و هیچ نیست جز او
ده لاله لاله الهو

با مقایسه مفاهیم واژه و اصطلاح می‌شود در است که قلمرو کاربرد واژه یا کلمه بسیار بیشتر از اصطلاح است. واژه عمریت ارد و همگانی است؛ اما اصطلاح فقط در میان کسانی که با معنای تعریف شده آن آشنایی دارند و در قلمرو آن علم یا فن وارد شده‌اند، کاربرد و مفهوم دارد.

مثلاً «پاکت» واژه‌ای است که در میان مداحان، مفهومی خاص یافته و به اصطلاح تبدیل شده است. مفهوم لغوی آن راهمه می‌داند، اما مفهوم اصطلاحی آن را فقط مداحان و کسانی می‌دانند که با قلمرو مداحی مراد دارند.

همچنین، واژه «گریز» در فرهنگ لغت به معنی «فرار» آمده است؛ اما در عرف مداحی، اصطلاحی است که متناسب با فن مداحی، کاربردی متفاوت و مفهومی تازه یافته است.^۲

۱. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱۰، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵، ص ۳۲۹۳.

۲. به واسطه ورود این اصطلاح به زبان مردم، کنایه «گریز به کربلا زدن» را در میان محاورات مشاهده می‌کنیم.

۳. کنایه: در لغت، به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح ادبی، نوعی آرایه کلامی و عبارتی است که دو مفهوم دور یا مجازی و نزدیک یا حقیقی یافته باشد؛ مثلاً عبارت «آتش در مجلس افتاد» کنایه ای است که مفهوم ظاهری آن مدنظر نیست و مخاطب با درگیری ذهنی، مفهوم مجازی یا دور آن را درمی یابد.

بنابر آنچه ذکر شد، می شود قاطعانه گفت که مجامع مداحی به دلیل بهره گیری از علوم و فنون گوناگون، به مرور صاحب اصطلاحات خاص شده اند که شناسایی، گردآوری و معرفی آن ها ضرورتی انکارناپذیر است. هر فرد نکته سنج و خوشگافی حتی اگر پژوهشگری اهل تحقیق نباشد، با تأمل در این اصطلاحات، به آیار، درباره مداحی به این باورها می رسد:

- فرهنگ، آس و پاش باور و نگرش های ارتباطی خاصی دارد؛
- برگرفته از باورهای رمان های مردم است؛
- اصطلاحات و کلمات - عین دارد که در حوزه های دیگر اجتماع و فرهنگ، کاربرد ندارد؛
- بر فرهنگ مردمی تأثیرگذار است و عناصر ارتباطی آن (اصطلاحات و کنایات) به زبان مردم راه یافته است؛
- سیری تکاملی دارد؛ چون وجود اصطلاحات مانند مفهوم اعلام حیات و جاری بودن هردانش یا فن یا هنر است.

بنابراین، لازم است این فرهنگ غنی به خوبی شناسایی و مناسبت شود. صاحب این قلم بر این اساس، به گردآوری اصطلاحات و کنایات مردم در قلمرو مداحی پرداخته است و اکنون این اثر ناچیز را خاضعانه به مخاطبان این قلمرو و نیز به فرهنگ پژوهان تقدیم می کند.